


The epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilizing university Based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution

Mohammad Nabizadeh¹  | Saeed Beheshti², Irandokht Fayaz³, Ahmad Salahshoori⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7

64

Vol. 32
Autumn 2024
P.P: 227- 255



Research Paper

Received: 18 August 2024
Revised: 12 September 2024
Accepted: 21 October 2024
Published: 21 November 2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

Spiritual education, as one of the basic approaches to education in human life, plays a key role in improving the quality of individual, social and civilizational life. In the university environment, this type of education is also of particular importance, because spiritual education can help to cultivate moral and spiritual aspects along with scientific growth. The purpose of this research was to explain the foundations of epistemology of spiritual education based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution, which used the method of analysis or progressive argument, and the method of data collection was in the form of library and documents, referring to first-hand sources, and the content obtained It was compiled by using books and also software that collected the sayings of Imam Khomeini (RA) and Imam Khamenei. The findings showed that the epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilization-building university are: the revelation of knowledge, the value of knowledge, the monotheism of knowledge, the rationality of knowledge, the non-imitation of knowledge, and the usefulness of knowledge; that these knowledge bases can help universities to play more active roles in shaping and advancing the new Islamic civilization.


Keywords: Education spiritual education Civilizing University epistemological foundations Imams of the Islamic Revolution


1. Corresponding Author: Imam Hossein University, Cultural and Social Faculty, Training and Education. Email: kpnabizd@ihu.ac.ir

2. Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Nabizadeh, M & Beheshti, S & Fayaz, A & Salahshoori, A. (2024). The epistemological foundations of spiritual education in the realization of a civilizing university Based on the thought of the Imams of the Islamic Revolution. **Publisher:** Imam Hussein University  **Authors**

 This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق الجامعة الحضارية انطلاقاً من فكر أئمة الثورة الإسلامية

محمد نبي زاده¹ | سعيد بهشتي² | إيراندخت فياض³ | احمد سلحشوري⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7

رقم
٦٤

المجلد ٣٣

الخريف ١٤٤٦



ورقة البحث



تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٢/١٤

تاريخ المراجعة: ١٤٤٦/٠٥/١٠

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٤/١٩

تاريخ النشر: ١٤٤٦/٠٥/٣١

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

تلعب التربية الروحية، باعتبارها أحد المناهج الأساسية للتربية في حياة الإنسان، دوراً أساسياً في تحسين نوعية الحياة الفردية والاجتماعية والحضارية. وفي البيئة الجامعية، يحظى هذا النوع من التعليم أيضاً بأهمية خاصة، لأن التعليم الروحي يمكن أن يساعد في تنمية الجوانب الأخلاقية والروحية إلى جانب النمو العلمي. هدف هذا البحث إلى بيان أسس نظرية المعرفة في التربية الروحية المبنية على فكر أئمة الثورة الإسلامية، والتي استخدمت منهج التحليل أو الحجّة التقدمية، وكانت طريقة جمع البيانات على شكل مكتبة و الوثائق، التي تشير إلى مصادر مباشرة، والمحتوى الذي تم الحصول عليه تم تجميعه باستخدام الكتب وأيضاً البرامج التي جمعت أقوال الإمام الخميني (رضي الله عنه) والإمام الخامنئي. وأظهرت النتائج أن الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق جامعة بناء حضاري هي: كشف المعرفة، وقيمة المعرفة، وتوحيد المعرفة، وعقلانية المعرفة، وعدم تقليد المعرفة، فائدة المعرفة؛ أن هذه القواعد المعرفية يمكن أن تساعد الجامعات على لعب أدوار أكثر نشاطاً في تشكيل الحضارة الإسلامية الجديدة وتطويرها.

الكلمات المفتاحية: التربية، التربية الروحية، الجامعة الحضارية، الأسس المعرفية، أئمة الثورة الإسلامية.

١. محاضر، كلية الثقافة وإنتاج القوة الناعمة، جامعة الإمام الحسين (ع)، طهران، إيران kpnabizd@ihu.ac.ir

٢. المؤلف المراسل: أستاذ قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

٣. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

٤. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التربية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران

اقتباس: نبي زاده، محمد و بهشتي، سعيد و فياض، إيراندخت و سلحشوري، احمد (١٤٠٣)، الأسس المعرفية للتربية الروحية في تحقيق الجامعة

الحضارية انطلاقاً من فكر أئمة الثورة الإسلامية، ٣٢(٦٣)، ٢٢٥-٢٥٤ : DOR /https://dori.net/dor

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) المؤلفون



هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (Creative Commons License- CC BY)



مبانی معرفت شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن ساز

مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی

محمد نبی زاده^۱ | سعید بهشتی^۲ | ایراندخت فیاض^۳ | احمد سلحشوری^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7

شماره
۶۴

سال سی یکم

پاییز ۱۴۰۲

صص: ۲۵۵ - ۲۲۷

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۸ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۱ آذر ۱۴۰۳

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

تربیت معنوی به عنوان یکی از رویکردهای اساسی تربیت در زندگی انسان، نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت حیات فردی، اجتماعی و تمدنی ایفا می‌کند. در محیط دانشگاهی نیز این نوع تربیت اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که تربیت معنوی می‌تواند به پرورش ابعاد اخلاقی و معنوی در کنار رشد علمی کمک کند. هدف این پژوهش تبیین مبانی معرفت‌شناسی تربیت معنوی مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی بود که از روش تحلیل یا برهان فرا رونده استفاده شد و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به منابع دست اول بوده و محتوای به دست آمده با استفاده از کتب و همچنین نرم افزارهایی که به جمع‌آوری سخنان امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای پرداخته‌اند گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز عبارتند از: وحیانی بودن معرفت، ارزشی بودن معرفت، توحیدی بودن معرفت، عقلانی بودن معرفت، تقلیدی نبودن معرفت و نافع بودن معرفت؛ که این مبانی معرفتی می‌توانند به دانشگاه‌ها کمک کنند تا نقش‌های فعال‌تری در شکل‌دهی و پیشبرد تمدن نوین اسلامی ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت معنوی، دانشگاه تمدن ساز، مبانی معرفت‌شناختی، امامین انقلاب اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: مدرس، دانشکده فرهنگی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

Email: kpnabizd@ihu.ac.ir

۲. استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. دانشیار، گروه فلسفه

تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

استناد: نبی زاده، محمد و بهشتی، سعید و فیاض، ایراندخت و سلحشوری، احمد (۱۴۰۳)، مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در تحقق

دانشگاه تمدن ساز مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۳)، ۲۲۷-۲۵۵.

DOR: <https://dor.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.64.8.7>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

معنویت و رشد معنوی همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، زیرا انسان در مسیر زندگی خود علاوه بر نیازهای مادی و علمی، به رشد و تعالی درونی و اخلاقی نیز نیازمند است. در طول تاریخ، افراد و جوامع به تدریج بیشتر متوجه شده‌اند که تنها پیشرفت در امور مادی و علمی کافی نیست، بلکه برای رسیدن به زندگی متعادل و سعادت حقیقی، توجه به معنویت و ارزش‌های اخلاقی نیز ضروری است. این آگاهی باعث شده است که توجه به معنویت به صورت روزافزون افزایش یابد، به طوری که امروزه بسیاری از افراد و سازمان‌ها، از جمله نهادهای آموزشی مانند دانشگاه‌ها، به دنبال ایجاد توازن بین آموزش علمی و رشد معنوی هستند تا انسان‌هایی کامل‌تر و مسئول‌تر تربیت کنند. این افزایش توجه به معنویت نشان از درک عمیق‌تری نسبت به نیازهای واقعی انسان برای دستیابی به کمال و رضایت درونی دارد (نبی زاده، ۱۴۰۲: ۴۰). مکتب حیات بخش اسلام بهترین شیوه‌ها و روش‌های تربیتی برای رشد معنوی پیروان خود ارائه داده است که برای کشف و استفاده از آنها می‌بایست به آرا و اندیشه‌های بزرگان دینی در این خصوص مراجعه کرد. در همین راستا حضرت امام خمینی (ره) همواره از تعلیم و تربیت بر مبنای اسلام سخن به میان آورده و فرموده‌اند: تمامی کتب پیامبران در تلاش هستند تا انسان را تربیت کنند، زیرا با تربیت صحیح انسان، جهان اصلاح می‌شود. هیچ موجودی به اندازه انسانی که تربیت نشده است، برای جوامع زیان‌آور نیست؛ نه شیطان و نه هیچ حیوان دیگری چنین ضرری ندارد. به همین شکل، هیچ موجودی مانند فرشته‌ها نیز نمی‌تواند به اندازه انسان تربیت شده برای جامعه مفید باشد. اساس و بنیاد جهان پر تربیت انسان استوار است، و تنها با پرورش انسان‌ها می‌توان به اصلاح و بهبود جامعه دست یافت (خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۱۴، ۱۵۳).

امام خامنه‌ای نیز در این خصوص می‌فرماید: در اسلام مسئله جسم و روح توأمند و قابل تفکیک نیستند. اسلام معتقد است که انسان باید جسم و روح را با هم پرورش دهد. پرورش جسم مقدمه پرورش روح است. تمام عبادات و تکالیف شرعی در حقیقت ابزارهای همین ترکیه یا همین تربیت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بنابراین تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی انقلاب اسلامی است که در مبانی اندیشه امامین انقلاب اسلامی نمود پیدا کرده است.

مقصود از مبانی اندیشه، بررسی نوع شناخت و درک فرد اندیشمند از انسان، جهان و معرفت است که در تحلیل مسائل تربیتی، سیاسی، فرهنگی و دیگر حوزه‌ها تجلی می‌یابد. آنچه به اندیشمند توانایی می‌بخشد تا در استنباط مسائل تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و به طور کلی مسائل تمدنی نقش مهمی ایفا کند، نوع نگاه و معرفت‌شناسی اوست. این نوع معرفت‌شناسی است که اساس و پایه‌ای برای تحلیل و درک عمیق‌تر مسائل مختلف فراهم می‌آورد.

بنابراین، با به تصویر کشیدن عمق ارتباط و تأثیر تمدن از مبانی معرفت‌شناختی، می‌توان به وضوح نقش اساسی تربیت را در شکل‌دهی به یک تمدن درک کرد. چرا که تربیت، بینش و نگاه انسان به جهان را تغییر می‌دهد و در نهایت، فرهنگ و ارزش‌های خاصی را برای او تعیین می‌کند. در همین راستا، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید می‌کنند که راه تحقق تمدن، تربیت است: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور...» (بیانات در دیدار با نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸). از سوی دیگر، پاسخ به مسائل مربوط به معرفت‌شناسی در هر جامعه ریشه در پاسخ‌هایی دارد که به مسائل نظام تربیتی و فلسفه حاکم بر آن جامعه داده می‌شود (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). بر این اساس یکی از مکان‌های که تربیت نسل در آن صورت می‌پذیرد دانشگاه می‌باشد. دانشگاه نه تنها مکانی برای آموزش علمی و تخصصی است، بلکه محیطی است که در آن شخصیت‌ها شکل می‌گیرند و افراد می‌توانند در زمینه‌های مختلف مهارت‌ها و تجربیات ارزشمندی کسب کنند.

از سوی دیگر، دانشگاه‌ها نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه تمدن‌ها دارند. آن‌ها به عنوان مراکز دانش، نوآوری، و تفکر نقادی، به پرورش نسل‌هایی می‌پردازند که می‌توانند در ساخت جامعه‌ای پویا و توسعه‌یافته نقش داشته باشند. دانشگاه‌ها با تولید و انتقال دانش، به شکل‌گیری فرهنگ‌ها و بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کنند و در نهایت به ساخت تمدن‌های جدید منجر می‌شوند.

مفهوم دانشگاه تمدن‌ساز، که رویکردی نو و منحصر به فرد در حوزه دانشگاهی است، به معنای استفاده از دانشگاه برای اهداف ویژه‌ای است که به ساخت و تقویت تمدن می‌انجامد. برای درک بهتر این مفهوم، لازم است ابتدا به تعریف دقیق آن پرداخته شود. براساس دیدگاه امامین

انقلاب اسلامی، دانشگاه تمدن‌ساز در نزد ایشان را می‌توان دانشگاهی نامید که اهتمام اصلی خود را دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی قرار داده است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «ما چه کار کنیم که از این دانشگاه با این سوابق، با این تاریخ، با این زمینه‌های تاریخی، با این میراث، با این تجربه خوب و آزمون خوبی که دانشگاه در دوران انقلاب داد و با مشکلاتی که در دانشگاه به وجود آمد -همه‌ی اینها را در کنار هم قرار بدهیم- بتوانیم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟ چون هدف این است دیگر؛ هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه‌ی موردنظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند... این دانشگاه چه نقشی می‌تواند ایفا کند برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آن‌چنان جامعه‌ای و آن‌چنان ایرانی؟ روی این باید فکر کنید؛ یعنی همه‌ی کارها را بر این اساس باید قرار بدهید.» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴/۸/۲۰). این دیدگاه بر این باور است که دانشگاه نباید تنها به آموزش مهارت‌های تکنیکی و حرفه‌ای پردازد، بلکه باید به تربیت انسان‌هایی پردازد که دارای بینش معنوی عمیقی هستند و می‌توانند در جهت ارتقاء فضائل اخلاقی و معنوی جامعه تأثیرگذار باشند.

در این راستا، امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای بر این موضوع تأکید داشته‌اند که دانشگاه‌ها باید به عنوان مراکزی برای پرورش نیروهای متعهد و مؤمن که قادر به مدیریت جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی هستند، عمل کنند. آنها بر نقش دانشگاه‌ها در پرورش نسلی که به دنبال اصلاح و بهبود شرایط فعلی جامعه و هدایت آن به سمت یک تمدن نوین اسلامی است، تأکید دارند.

تربیت معنوی در این چارچوب، به فراگیران کمک می‌کند تا از نظر روحی و روانی تقویت شوند و مهارت‌های لازم برای مقابله با چالش‌های معنوی و اخلاقی روزمره را کسب کنند. هدف این است که دانشگاه‌ها نه تنها به تولید دانش پردازند، بلکه به تربیت شخصیت‌هایی پردازند که دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی، همراه با یک بینش معنوی قوی هستند. این تربیت می‌تواند زمینه‌ساز تحقق دانشگاهی باشد که به عنوان موتور محرکه تمدن‌سازی عمل کند.

بنابراین، مسئله این پژوهش بررسی این است که چگونه می‌توان از طریق مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در دانشگاه، مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموار کرد. در این راستا، تربیت معنوی زمانی می‌تواند در تحقق تمدن نقش‌آفرین باشد که مبانی معرفتی آن به‌دقت بررسی شود. به این ترتیب، لازم است هر مبنای فلسفی همراه با نگرش تربیتی و رویکرد معنوی مرتبط با تمدن

مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. لذا این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال برآمده است که در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، مبانی معرفت شناختی تربیت معنوی در تحقق دانشگاه تمدن ساز کدامند؟ بنابراین اندیشه امامین انقلاب اسلامی متأثر از مبانی معرفت شناختی ایشان است که در این مقاله به آن پرداخته شد.

مبانی نظری

معرفت شناسی: معرفت شناسی یا شناخت شناسی برگرفته از دو کلمه «Episteme» (معرفت) و «S» (نظریه یا تبیین) که دو واژه یونانی هستند تشکیل شده است (موزر و تروت، ۱۳۸۷: ۱۹). معرفت شناسی، دانشی است که به بررسی موضوعاتی مانند تعریف معرفت، امکان دستیابی به آن، انواع مختلف معرفت، روش‌ها و ابزارهای کسب معرفت، معیارهای صدق و درستی معرفت، و همچنین معیارهای توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۶۴: ۸۸). به عبارت دیگر معرفت شناسی، حوزه‌ای را دربرمی‌گیرد که به سؤالات و مفروضاتی در مورد منابع کسب معرفت و انواع معرفت پاسخ می‌دهد (یارمحمدیان، ۱۳۸۶: ص ۲۵). در نتیجه چگونگی سازمان‌دهی، فرصت‌های یادگیری و راهبردهای تربیتی و آموزشی تحت الشعاع این حوزه قرار می‌گیرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

در توصیف کلی معرفت شناسی را می‌توان این گونه تعریف کرد: شاخه‌ای از فلسفه است که به ارزشیابی معرفت بشری، حدود، مبانی و ابزار، مبادی و میزان اعتماد به آن می‌پردازد. بنابراین معرفت شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به دنبال نظریه‌چینی معرفت و راههای حصول آن می‌باشد. به عبارت دیگر، این علم به طرح و پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای از پرسش‌های فلسفی درباره شناخت می‌پردازد. پرسش‌هایی مانند ماهیت شناخت، امکان‌پذیری آن، روش‌های کسب شناخت، محدودیت‌های شناخت و معیار تشخیص صدق و کذب از جمله اساسی‌ترین مباحث مطرح در این حوزه هستند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

مبانی معرفت شناختی

منظور از مبانی معرفت شناختی در اینجا، مبانی معرفت شناسی شامل مفاهیم یا گزاره‌های توصیفی ناظر به شناخت‌های لازم برای تربیت معنوی است که از متون اسلامی استخراج می‌شود (بهشتی،

۱۳۸۹: ص ۳۰). بر اساس روال معمول در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت ویژه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مرتبط با این حوزه از مبانی کلی انسان‌شناسی جدا شده و به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است (مبانی نظری تحول‌بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۳). به این ترتیب، مبانی معرفت‌شناختی اساسی‌ترین جهت‌گیری در نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود و دانش «معرفت‌شناسی» به بررسی علم، معرفت، مبادی، اصول، آثار و پیامدهای آن می‌پردازد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸).

تربیت: به لحاظ لغوی تربیت واژه‌ای عربی از ریشه ربو به معنای فزونی و نمو است (ابن‌منظور، ۱۴۱۰: ۱۲۶). ولی برخی گفته‌اند که اصل این واژه از ریشه رب با تشدید باء یعنی از ربب گرفته شده و از همین رو هم معنای ربوبیت است. رب، در اصل به معنای تربیت است و آن به معنای بوجود آوردن چیزی از حالتی به حالتی دیگر تا اینکه به حد کمال برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۶). بنابراین رب به معنی پروراندن، پرورش دادن، افزون کردن، مالک بودن، مهتری کردن، نیکو گردانیدن، تمام و کامل آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). در اصلاح نیز در تعریف تربیت می‌توان می‌توان تربیت را به‌عنوان یک فعالیت هدفمند و تعاملی بین مربی و متربی تعریف کرد که هدف آن کمک به متربی برای تحقق بخشیدن به توانایی‌هایش و رشد شخصیت او در جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی است (بناری، ۱۳۸۵: ۳۲).

معنویت: معنویت به‌عنوان یک حالت روحانی تعریف می‌شود که در نتیجه ارتباط انسان با عالم معنا و خدای متعال از مسیر عبودیت و بندگی و با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی و احکام اسلامی، همچنین ارزش‌های اخلاقی اسلام، برای رسیدن به بالاترین سطح قرب الهی، قلب سلیم و حیات طیبه شکل می‌گیرد. از این منظر، انسان معنوی دارای ویژگی‌هایی نظیر احساس فقر و نیاز به خدا، اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند، ایمان به عالم غیب، باور به معاد، اعتقاد به هدفمندی آفرینش، باور به اختیار انسان، خودشناسی، شناخت احکام دینی و پایبندی به آنها، و شناخت ارزش‌های اخلاقی و تعهد به عمل به آنهاست. همچنین معنویت اسلامی دارای چهار بعد معرفتی، عاطفی، ارادی و کنشی است (رضایت، غلامعلی و رضایت، ۱۴۰۱: ۲۳۹). معنویت در اسلام به‌عنوان مسیری همه‌جانبه در نظر گرفته می‌شود که فرد را در تمامی ابعاد زندگی، اعم از شناخت،

احساسات، اراده و عمل، به سوی کمال و نزدیکی به خداوند هدایت می‌کند. این نوع معنویت فرد را نه تنها در مسیر رشد شخصی بلکه در سازندگی اجتماعی نیز مؤثر می‌سازد.

تربیت معنوی: تربیت معنوی، تربیتی خداگرا، خداانگرا، خدامحور و اصلاح‌کننده رابطه انسان با خالق عالم است. در واقع هدف تربیت معنوی این است که انسان روابط خود را با خداوند، جهان زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان شکلی که فلسفه جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیوی و اخروی تعیین کرده است، قدم بردارد. بر این اساس، وقتی در پرتو این رویکرد، رابطه انسان نسبت به خالق خود، در مسیر صحیح قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی پیدا کرد، می‌توان گفت تربیت واقعی صورت گرفته است (انتظامی‌بیان و احقر، ۱۳۹۴: ۵۱).

می‌توان گفت تربیت معنوی جریان تعاملی، مستمر و تدریجی رشد جامع و جاودانه استعدادها، اصلاح و استکمال نفس، تعدیل قوا و تنظیم تعاملات و رفتارها به منظور تحقق شایستگی‌های مبتنی بر مکتب است. در این تعریف، جریان تعاملی به علل فاعلی اشاره دارد، استعدادها همان علت درونی هستند که باید فعلیت پیدا کنند، رشد، اصلاح و استکمال نفس، تعدیل قوا و تنظیم و تعاملات و رفتارها به فرآیندهای اصلی تأکید دارد، شایستگی‌های مورد انتظار بیانگر علل صوری تربیت هستند، عبودیت و بندگی، رسالت و غایی را بیان می‌کنند، اسلام ناب نیز جهت‌گیری و محتوای تربیت را مشخص می‌سازد، مستمر، تدریجی، جامع و جاودانه ویژگی جریان تربیت را اعلام می‌کند.

دانشگاه تمدن ساز: واژه «دانشگاه تمدن ساز» مفهوم اختیار شده برای نمایاندن تمام عیار الزامات سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی کشور است. پژوهشگران با ترکیب دانشگاه، تمدن و اسلام، اصطلاح دانشگاه تمدن ساز اسلامی را به کار می‌برند. دانشگاه تمدن ساز اسلامی با توجه به نقش دانشگاه در ارتباط با نیازها و حل مسائل جامعه و حفظ و تقویت هویت ایرانی اسلامی بین کارکردهای مختلف دانشگاه از حیث تمدن‌سازی تعادل ایجاد می‌کند. در نتیجه، دانشگاه تمدن‌ساز دانشگاهی است که نقش کلیدی در ایجاد و توسعه گفتمان‌های جدید ایفا می‌کند و به‌طور فعال به ابهامات و چالش‌های مرتبط با هویت، فرهنگ و تمدن که تحت تأثیر تغییرات سریع بین‌المللی و تحولات داخلی در عصر جهانی شدن به وجود آمده‌اند، پاسخ می‌دهد (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). این دانشگاه نه تنها به انتقال دانش علمی

می‌پردازد، بلکه فضایی برای بررسی و تحلیل مسائل عمیق هویتی و فرهنگی فراهم می‌کند. هدف اصلی آن، ایجاد بینشی روشن برای دانشجویان و جامعه در مواجهه با تحولات جهانی و محلی است، به گونه‌ای که بتوانند با درک بهتر از گذشته و حال، نقش مؤثری در ساختن آینده‌ای تمدنی و متعالی ایفا کنند.

رابطه تربیت و معنویت

میان تربیت و معنویت یک پیوند ذاتی و ناگسستنی وجود دارد. در فرآیند تربیت، تمامی فعالیت‌ها باید از طریق دعا، نیایش و توجه به خداوند معنا پیدا کنند تا بتوان به اهداف والای تربیتی دست یافت. این ارتباط چنان عمیق است که اگر فردی برخی از ارزش‌های انسانی مورد تأیید اسلام را در خود پرورش دهد، به‌طور طبیعی به سمت معنویت الهی حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر، معنویت و تربیت به گونه‌ای درهم تنیده‌اند که بدون حضور معنویت، تربیت به نتیجه کامل نمی‌رسد.

کسی که به تربیت اسلامی علاقه‌مند است، چه در زمینه تربیت خود، فرزندان یا دیگران، باید به اهمیت دعا، نیایش و عبادت توجه ویژه‌ای داشته باشد. دعا و عبادت نه تنها ارتباط فرد با خداوند را تقویت می‌کند، بلکه به‌عنوان نیرویی درونی به او کمک می‌کند تا در مسیر تربیتی پایدار بماند و اهداف تربیتی خود را به سوی تعالی و کمال سوق دهد. این تأکید بر نیایش و عبادت در تربیت اسلامی به این دلیل است که معنویت نیرویی است که انسان را از درون می‌سازد و او را در برابر چالش‌ها و مشکلات تربیتی مقاوم‌تر می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۴۱) در حقیقت، بدون توجه به معنویت، تربیت به یک فرآیند صرفاً ظاهری و سطحی تبدیل می‌شود، در حالی که معنویت به تربیت عمق و معنا می‌بخشد و باعث می‌شود فرد به ارزش‌های والاتر دست یابد و در مسیر رشد معنوی گام بردارد. به همین دلیل، هر نوع تربیتی که بخواهد بر پایه اصول اسلامی بنا شود، باید با محوریت دعا، نیایش و ارتباط با خداوند انجام شود تا بتواند تأثیرات عمیق و پایداری در فرد ایجاد کند.

اعمال و رفتار انسان دارای دو جنبه ظاهری و باطنی است. ممکن است دو نفر یک عمل مشابه را انجام دهند، اما یکی از آنها این کار را با هدفی دنیوی انجام دهد و دیگری همان کار را برای

رضای خداوند انجام دهد. در این حالت، عمل فرد دوم دارای باطنی الهی و آمیخته با معنویت است و به همین دلیل از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شود. (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرمایند: پیامبران آمده‌اند تا ما را به تدریج از عالم طبیعت تربیت کنند و آن بخش‌هایی از تربیت معنوی را که باید از طریق وحی الهی به ما منتقل شود، به ما بیاموزند. زیرا اگر پیامبران نباشند، انسان تنها در محدوده طبیعت باقی می‌ماند و چیزی فراتر از آن را درک نمی‌کند. وظیفه انبیا این است که ما را به عوالم بالاتر هدایت کنند و به تقویت ما پردازند، تا زمانی که از این دنیا به عالم دیگری منتقل شویم، زندگی ما در آن جهان نیز سعادت‌مند و موفق باشد (خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۱۴، ۱۵۳).

تربیت و معنویت در دانشگاه از جمله مهم‌ترین ابعاد آموزشی است که نه تنها بر رشد علمی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، بلکه به توسعه همه‌جانبه شخصیتی و اخلاقی آنان نیز کمک می‌کند. دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی، باید محیطی را فراهم کند که علاوه بر ارتقای دانش و مهارت‌های علمی، به تربیت اخلاقی، معنوی و اجتماعی دانشجویان توجه داشته باشد. تربیت معنوی در دانشگاه به معنای تقویت ارتباط دانشجویان با مفاهیم متعالی همچون اخلاق، عدالت، صداقت و مسئولیت‌پذیری است. این نوع تربیت به دانشجویان کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش فنی و تخصصی، ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار گیرند. دانشجویانی که با اصول معنوی و اخلاقی تربیت می‌شوند، نه تنها به خودسازی فردی مشغول می‌شوند، بلکه نقش مهمی در ایجاد و تقویت جامعه‌ای اخلاق‌مدار و پیشرو دارند.

پیشینه پژوهش

پیشینه این موضوع شامل مقالات و تحقیقات متعددی است که در این زمینه انجام شده‌اند. در ادامه، به طور مختصر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

پژوهش نجاران طوسی و همکاران (۱۳۹۶) تأکید می‌کند که مسئله دانشگاه و ساختن نظام مطلوب دانشگاهی یکی از اولین و مهم‌ترین دغدغه‌ها از ابتدای انقلاب بوده و با مراجعه به اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی، الگوی دانشگاه مطلوب انقلاب اسلامی را ارائه می‌نماید.

ابراهیمی و علوی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن» به طور جامع به بررسی ابعاد مختلف شناخت از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند. آنها منابع شناخت را شامل آیات آفاقی و انفسی، تاریخ و مکاشفه معرفی کرده‌اند که هر یک به نوعی به درک و شناخت انسان از جهان و خود او کمک می‌کنند. علاوه بر این، ابزارهای شناخت نظیر «حواس و قلب» را مورد بررسی قرار داده‌اند که هر دو در فرآیند شناخت نقش مهمی ایفا می‌کنند. این پژوهش همچنین به موانع شناخت، از جمله عدم حمایت از جبهه حق، دنیاپرستی و گناه اشاره می‌کند که می‌تواند مانع از درک صحیح انسان شود. در پایان، نویسندگان به دلالت‌های تربیتی این مباحث پرداخته و به بررسی روش‌های تربیتی و محتوای آموزشی متناسب با این نوع شناخت‌شناسی قرآنی پرداخته‌اند. این مقاله تلاش دارد تا با تکیه بر اصول قرآنی، رویکردهای تربیتی مؤثر را برای تقویت شناخت و معنویت در آموزش ارائه دهد.

بهشتی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتهلین»، به بررسی برخی از نظریات صدرالمتهلین در باب معرفت‌شناسی پرداخته است. این دیدگاه‌ها شامل بدیهی بودن علم، وجودی بودن علم، اتحاد وجودی علم و عالم، و تجرد علم است. در نهایت، وی دلالت‌های تربیتی این دیدگاه‌ها را در قالب اصولی همچون جهت‌دهی حرکت فکری مترقی از کثرت به وحدت، انتخاب مواد درسی بر اساس تعالی وجودی، و توسعه رویکرد معناگرا به جای ماده‌انگارانه استنباط و طبقه‌بندی کرده است.

خرمشاد و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز» به این موضوع پرداخته‌اند که دانشگاه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز علم و فرهنگ، وظیفه تولید و ترویج دانش و معرفت را بر عهده دارد. آنان تأکید می‌کنند که دانشگاه‌ها نقشی حیاتی در شکل‌گیری و رشد تمدن‌ها ایفا می‌کنند، تا حدی که می‌توان گفت دانشگاه‌ها ستون‌های اصلی هر تمدنی هستند و بدون حضور آنها، تمدنی پایدار نخواهد بود. در عصر جدید، کارکرد دانشگاه‌ها تنها به آموزش و پژوهش محدود نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان پایگاه‌های معرفتی، نقشی کلیدی در فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی ایفا می‌کنند.

موسوی (۱۳۷۹) در تحلیل خود از دیدگاه امام خمینی درباره نقش و اهمیت دانشگاه‌ها، بیان می‌کند که دانشگاه‌ها دو وظیفه اساسی بر عهده دارند: نخست، تربیت و اصلاح انسان‌ها از لحاظ

اخلاقی و معنوی، و دوم، تربیت دانشمندان و متخصصان در حوزه‌های علمی و فنی. از نگاه امام خمینی، دانشگاه‌ها نه تنها مکانی برای تولید علم و دانش تخصصی هستند، بلکه نهادهایی تربیتی‌اند که وظیفه دارند انسان‌هایی با اخلاق و ارزش‌های اسلامی پرورش دهند تا بتوانند در کنار تخصص علمی، به تعالی معنوی و اجتماعی جامعه کمک کنند. به این ترتیب، دانشگاه‌ها نقشی دوگانه در رشد فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند، هم در تربیت متخصصان و هم در پرورش انسان‌هایی با بینش اخلاقی و معنوی.

حیبی (۱۳۷۸) نیز از دریچه «دانشگاه اسلامی»، دانشگاه مطلوب امام خمینی را توصیف نموده، دانشگاهی که در آن تعلیم با تربیت، علم‌آموزی با تهذیب نفس و خروجی آن یک متخصص آراسته به فضائل اخلاقی است. از منظر داوری و سلیمی (۱۳۷۸)، تأکید امام خمینی بر اسلامی کردن دانشگاه‌ها، مبتنی بر نظریه‌ای تاریخی درخصوص علل انحراف و ناکارآمدی نظام پیشین دانشگاهی ایران است؛ و از منظر ایشان دانشگاه پیراسته از آثار منفی و آراسته به استقلال، خودکفایی، آزادگی و دیانت، «دانشگاه اسلامی و ملی» و نقطه مقابل چنین دانشگاهی نیز «دانشگاه استعماری» نامیده می‌شود.

بنابراین همانگونه که بررسی شد تاکنون پژوهشی به احصاء مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی برای تحقق دانشگاه تمدن‌ساز نپرداخته است و این پژوهش کاملاً بدیع بوده و به این شکل در سابقه ندارد. مزیت این پژوهش نسبت به برخی دیگر از پژوهش‌های دیگر این است که این پژوهش این مبانی را در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش حاضر از روش تحلیل یا برهان فرارونده استفاده شد که در آن شرط امکان یافتن تجربه بشری معین می‌گردد. به عبارت دیگر در این نوع تحلیل با توجه به اینکه به دنبال تحقق دانشگاه تمدن‌ساز هستیم این نکته بررسی شد که چگونه با استفاده از مبانی معرفت‌شناختی تربیت معنوی این امر تحقق پیدا می‌کند. فرارونده یا استعلایی بودن این روش اشاره دارد به اینکه در جریان تحلیل مسئله از حد امر شخصی یا فردی، موردی و خاص، فراتر رفته و به صورت امری

کلی و ضروری مشخص می‌گردد (باقری، ۱۳۸۹). روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به منابع دست اول بود و محتوای به دست آمده با استفاده از کتب و همچنین نرم‌افزارهایی که به جمع‌آوری سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پرداخته‌اند گردآوری شد.

تحلیل داده‌ها به طور معمول در تحلیل فرارونده در دو مرحله انجام می‌شود: در مرحله اول به توصیف می‌پردازد و در مرحله دوم که تعیین شرط لازم است از شرط یا شرط‌های لازم و ضروری برای پدیده‌ای که توصیف شده پرسیده شد. به عبارت دیگر در این مرحله پرسیده شد که مبانی فلسفی تربیت معنوی چگونه می‌تواند دانشگاه تمدن‌ساز را محقق کنند. بنابراین در این مقاله ابتدا تربیت، تربیت معنوی و منابع معرفت را تحلیل و تفسیر کرده و ماهیت و قلمرو آن مشخص شده، در مرحله بعد به استنتاج مبانی تربیت معنوی از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

برای تبیین مبانی معرفت‌شناختی بر اساس دیدگاه اسلامی، باید از تعالیم اصیل و بنیادی اسلام بهره گرفت. در مواردی که مستقیماً به هدایت دینی مربوط نیستند و به توانایی عقلانی بشر وابسته‌اند، می‌توان از اندیشه‌های استدلالی بشر استفاده کرد، به‌ویژه هنگامی که این یافته‌ها با وحی هماهنگ باشند. در این راستا، دستاوردهای فلسفه با رویکرد اسلامی، به‌ویژه دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، می‌تواند راهگشا باشد. اگرچه در آثار این دو بزرگوار، بحث مستقلی درباره معرفت‌شناسی وجود ندارد، اما نکات مربوط به این حوزه از میان نوشته‌ها و گفتارهای ایشان قابل استخراج است.

منابع معرفت

میان منابع شناخت و ابزارهای لازم برای به‌کارگیری آنها تناسبی طبیعی وجود دارد، به این معنا که هر منبع شناختی به ابزارهای ویژه خود نیازمند است. امام خمینی (ره) چهار منبع اصلی شناخت را معرفی کرده‌اند: وحی، عقل، حس و قلب. روش شناختی ایشان نیز متناسب با این منابع به‌خوبی قابل تشخیص است. در ارتباط با وحی، امام از طریق اجتهاد و تفقه در منابع دینی مانند قرآن و

سنت به شناخت دست می‌یافتند. برای این نوع اجتهاد، تسلط بر ادبیات عرب، منطق، علم رجال، حدیث، درایه، تفسیر و موضوعات مرتبط لازم است. ایشان به فقه سنتی و روش جواهری به‌عنوان شیوه برتر در حوزه علمیه برای استنباط احکام دینی تأکید داشتند و نقش شرایط زمان و مکان را در اجتهاد مورد توجه قرار می‌دادند. با این حال، امام خمینی اجتهاد رایج را برای مدیریت جامعه کافی نمی‌دانستند و معتقد بودند که برای اداره جامعه نیاز به رویکردهای جامع‌تری است. (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۹۸). یکی از مباحث اساسی در مبانی تعلیم و تربیت، موضوع معرفت‌شناسی است. امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از اصول نظام تشیع اسلامی، به هر دو جنبه عینی و ذهنی در جامعه توجه داشتند و اوضاع اجتماعی را با معیارهای الهی ارزیابی می‌کردند تا مسیر درست رشد و تکامل را شناسایی کنند.

امام خامنه‌ای نیز، مهم‌ترین منابع شناخت را کتاب و سنت، عقل و تجربه معرفی نموده است که کتاب (وحی) و سنت نقش پررنگی داشته و عقل و تجربه در طول این منابع قرار می‌گیرند. خامنه‌ای، در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۳/۷/۵ و جمعی از مداحان اهل‌بیت (ع) ۱۳۹۰/۱/۳۱ - جمعی از شعرا ۱۳۹۰/۵/۲۴) هر یک از این ابزارها به جز وحی الهی، در شناخت معرفت، با ضعف‌هایی مواجه می‌گردند. از طریق ابزار حس نمی‌توان امور فراطبیعی (غیرحسی) را درک نمود؛ چرا که بحث علوم تجربی (ماده و روش) مشاهده، حس و تجربه می‌گردد و جهت مطالعه در امور غیرمادی (خدا، انسان و جهان) دور از دسترس تجربه بوده و قابلیت تجربه، مشاهده و آزمون را ندارند. اندیشه‌های عقلی با ابزار عقل، شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تری نسبت به تجربه در امور گوناگون را در برمی‌گیرد. چرا که عقل به جهت استفاده از برهان و استدلال، معرفت یقینی را میسر می‌گرداند. عقل نیز به برخی امور (چگونگی معاد، عالم غیب، کیفیت سعادت‌مندی انسان) دسترسی ندارد و دارای محدودیت است. امام خامنه‌ای می‌فرماید: «همیشه به این صورت نیست که عقل انسان هدایت کند، بلکه در مواردی نیز خطا خواهد کرد. عقل نیازمند راهنمایی است که وی را در مسیر چگونگی فهمیدن، دیدن و تشخیص حقیقت از باطل حرکت بدهد. راه ارشاد عقل به جز وحی خدا نیست. وحی به معنای تعلیم خاص خداوند و هدایت به بنده‌ی برگزیده‌اش پیغمبر، که به واسطه او، این هدایت و تعلیم نیز در اختیار انسانهای دیگر قرار بگیرد.

امام خامنه‌ای علاوه بر قبولیت عقل و جایگاه آن، آن را نیز لغزش‌پذیر دانسته و معتقدند کتاب و سنت، سطح بالاتری از معارف را اظهار می‌کنند که بیرون از دسترسی عقل است که برخلاف معارف عقلی مصون از خطا و لغزش هستند (خامنه‌ای، در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰).

مبانی معرفت‌شناختی

وحيانی بودن معرفت

حق مقام علم الهی است که منشأ پیدایش آسمان‌ها و زمین (عالم)، انزال کتب و ارسال رسل، برپایی قیامت و سنجش مردمان و جزای اعمال است. تنها و تنها اعتبار علم، مشروط به مطابقت با واقع است. علم مساوق وجود و وجود حقیقت واحد صاحب مراتبی است که مراتب فراتر آن بر مراتب فروترش احاطه دارند، پس علم مراتب فراتر هستی نیز بر علم مراتب فروتر آن اشراف دارد؛ از این رو علم معتبر یا به تعبیر قرآن «حق»، دانشی است که از سوی حق نازل می‌گردد و مردمان بسته به مرتبه هستی خویش مرتبه‌هایی از دانش حق را دریافت می‌کنند.

منظور این نیست که وحی، ما را از اندیشیدن بی‌نیاز می‌کند یا متون دینی شامل تمام دانشهاست؛ بلکه به این معناست که دریافت‌های بشری در صورت انکار و نقض اصول اساسی وحی شده به پیامبران الهی، از درجه اعتبار ساقط می‌شوند؛ محکومات دینی برای گزاره‌های علمی، هم الهام‌بخش، هم تعیین‌بخش و هم اعتباربخش‌اند.

آموزه‌های وحيانی برای علوم شهودی نیز الهام‌بخش و در عین حال اعتباربخش‌اند (علم الهدی، ۱۳۹۳). امام خمینی در نامه‌ای به فرزند خود چنین می‌گوید: «فرزندم با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگر چه با قرائت آن و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب محبوب است اگر چه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت را گیرد» (خمینی، ج ۱۶، ص ۲۱۱).

ایشان بر این باور بودند که قرآن کتابی است که هم به تهذیب اخلاق، هم استدلال و هم حکومت می‌پردازد و همچنین بر وحدت تأکید دارد. این کتاب هم دریچه معرفت را تا حد توان انسان می‌گشاید و هم به مادیات و پیوند آنها با معنویات، حکومت و خلافت توجه دارد. ما نیز باید به تمام ابعاد قرآن توجه داشته باشیم. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۷، ص ۴۳۴).

بنابراین وحيانی بودن معرفت به معنای استناد به آموزه‌ها و حقایقی است که از طریق وحی الهی به انسان رسیده‌اند. این نوع معرفت از مبانی اصلی در اندیشه دینی و اسلامی است که در پیوند با عقلانیت و علم انسانی، به تحقق دانشگاه تمدن‌ساز کمک می‌کند. در واقع، معرفت وحيانی بر مبنای ارتباط انسان با منبع الهی شکل می‌گیرد و شامل حقایقی می‌شود که فراتر از دانش تجربی یا

عقلانی معمول هستند. در این زمینه، وحی به عنوان یک راهنمایی الهی، به انسان‌ها کمک می‌کند تا به شناخت‌های عمیق‌تری درباره هستی، انسان، و غایت زندگی دست یابند.

جدول ۱. نقش معرفت و حیانی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| شرح | نقش |
|---|--|
| معرفت و حیانی اصولی اخلاقی و معنوی را به دانشگاه‌ها وارد می‌کند که هدف آن تربیت افرادی است که در کنار دانش تخصصی خود، به ارزش‌های اخلاقی و معنوی عمیقی پایبند باشند. این اصول بر پایه آموزه‌های دینی است و به دانشجویان کمک می‌کند تا خود را با اصول عدالت، انسانیت و اخلاق هماهنگ کنند. | ایجاد بیش از معنوی و اخلاقی در دانشگاه |
| معرفت و حیانی علم را در چارچوبی معنوی قرار می‌دهد و آن را به عنوان ابزاری برای شناخت خداوند و خدمت به بشر معرفی می‌کند. دانشگاه تمدن‌ساز، با تلفیق معرفت و حیانی و علمی، تلاش می‌کند تا دانشجویانی تربیت کند که علاوه بر تسلط بر دانش، به ایمان و ارزش‌های معنوی متعهد باشند. این تلفیق، دانشجویان را به سوی استفاده مسئولانه از علم برای توسعه جامعه و حل مسائل آن سوق می‌دهد. | تلفیق علم و ایمان |
| معرفت و حیانی در پی آن است که انسان را در تمامی ابعاد وجودی‌اش پرورش دهد. بر این اساس، دانشگاه تمدن‌ساز نه تنها به دنبال آموزش علمی و فنی است، بلکه به تربیت انسان‌هایی می‌پردازد که به لحاظ معنوی، اخلاقی، و روحانی نیز پیشرفت کنند. چنین رویکردی باعث می‌شود که افراد تربیت‌شده در این دانشگاه‌ها بتوانند به صورت جامع به توسعه تمدن بپردازند. | پرورش انسان جامع‌نگر |
| معرفت و حیانی به دانشجویان کمک می‌کند تا به غایت‌های متعالی زندگی انسانی و معنوی پی ببرند و در تلاش برای دستیابی به این غایت‌ها باشند. این نوع تربیت به دانشجویان انگیزه می‌دهد تا علم و دانش خود را در جهت خدمت به جامعه و ارزش‌های متعالی به کار گیرند. | ارتباط انسان با غایت‌های متعالی |
| در دانشگاه تمدن‌ساز، معرفت و حیانی باعث می‌شود که آموزش به سوی هدفی مشخص و متعالی هدایت شود. این هدف شامل تربیت دانشمندانی است که نه تنها در علوم تجربی و تخصصی مهارت دارند، بلکه به لحاظ اخلاقی و معنوی نیز الگوهایی برای جامعه هستند. | تعلیم و تربیت هدفمند |

معرفت و حیانی با ارائه اصول و راهبردهایی که از طریق وحی الهی به دست آمده‌اند، نقش اساسی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز ایفا می‌کند. این معرفت، دانشگاه‌ها را از رویکردهای صرفاً علمی و تخصصی فراتر می‌برد و به آنها هویتی معنوی و تمدنی می‌بخشد. با تلفیق علم و ایمان، دانشگاه‌های تمدن‌ساز می‌توانند به توسعه اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جوامع کمک کنند و نسلی از انسان‌های آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر پرورش دهند که در ساختن تمدن‌های پایدار و الهی مشارکت دارند.

ارزشی بودن معرفت

معنویت و اخلاق در برجسته نمودن ارزشهای معنوی مانند اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی جامعه موثر می‌گردد. یکی از مناسک مهم الهی، فریضه‌ی حج می‌باشد که در آن تمام مظاهر معرفت الهی ظهور می‌یابد؛ چرا که عناصر کلیدی تربیت فردی و اجتماعی در آن نهفته است. (خامنه‌ای، بی تا، ج ۲۶، ص ۲۶)

نقش ارزشی بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز بسیار کلیدی و بنیادین است. ارزشی بودن معرفت به این معناست که دانش و شناخت نه تنها باید بر اساس حقایق علمی و عقلانی بنا شود، بلکه باید با اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز سازگار باشد. در چنین دانشگاهی، معرفت به عنوان یک امر خنثی یا صرفاً ابزاری دیده نمی‌شود، بلکه در چارچوبی اخلاقی و ارزشی قرار می‌گیرد تا به رشد و تعالی فرد و جامعه کمک کند.

جدول ۲. نقش ارزشی بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| شرح | نقش |
|---|---------------------------|
| معرفت در دانشگاه تمدن‌ساز باید بر پایه ارزش‌های اخلاقی استوار باشد. این به این معناست که دانشجویان و اساتید در کنار کسب دانش تخصصی، به اصول اخلاقی همچون عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران توجه کنند. این رویکرد، از استفاده نادرست یا غیراخلاقی از علم جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود علم در خدمت تعالی و رفاه انسان‌ها قرار گیرد. | پیوند علم و اخلاق |
| یکی از پیامدهای ارزشی بودن معرفت، جهت‌دهی به پژوهش‌های علمی است. در یک دانشگاه تمدن‌ساز، پژوهش‌های علمی بر اساس نیازهای واقعی جامعه و با هدف خدمت به ارزش‌های انسانی و اجتماعی صورت می‌گیرد. به این ترتیب، علم به ابزاری برای رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی، و اخلاقی تبدیل می‌شود و از تحقیقات صرفاً سودمحور یا بی‌هدف فاصله می‌گیرد. | جهت‌دهی به پژوهش‌های علمی |
| معرفت ارزشی به دانشجویان و پژوهشگران این آگاهی را می‌دهد که دانش آنها مسئولیت‌زا است و باید به نحوی استفاده شود که به نفع جامعه و بشریت باشد. این حس مسئولیت باعث می‌شود که افراد به دنبال راهکارهای علمی برای حل مشکلات و چالش‌های اجتماعی و انسانی باشند و نقش مؤثری در توسعه و ارتقاء جامعه خود ایفا کنند. | پرورش حس مسئولیت اجتماعی |

جدول ۲. نقش ارزشی بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| نقش | شرح |
|------------------------------|---|
| ایجاد هویت تمدنی | معرفت ارزشی در دانشگاه تمدن‌ساز باعث تقویت هویت تمدنی دانشجویان و اساتید می‌شود. این هویت بر پایه ارزش‌های معنوی و اخلاقی بنا شده و دانشجویان را به یک هدف بزرگتر از خود، یعنی ساختن یک تمدن پیشرفته و اخلاق‌محور، هدایت می‌کند. در چنین محیطی، علم و دانش ابزاری برای ساختن آینده‌ای بهتر با پایبندی به اصول انسانی و معنوی است. |
| پیشگیری از سوءاستفاده از علم | یکی از خطرات علم بدون ارزش‌های اخلاقی، سوءاستفاده از آن در جهت اهداف نادرست یا غیراخلاقی است. ارزشی بودن معرفت به دانشگاه این امکان را می‌دهد که با تعیین چارچوب‌های اخلاقی، از این سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند و مطمئن شود که علم در جهت منافع بشر و در راستای اصول انسانی به کار می‌رود. |
| تعالی و رشد معنوی افراد | ارزشی بودن معرفت به افراد کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش، به رشد و تعالی معنوی نیز دست یابند. در دانشگاه تمدن‌ساز، دانشجویان نه تنها به دنبال ارتقاء علمی خود هستند، بلکه در مسیر رشد روحی و اخلاقی نیز گام برمی‌دارند. این فرآیند، باعث می‌شود که افراد به عنوان انسان‌هایی کامل‌تر و با درک بالاتری از مسئولیت‌های خود به جامعه وارد شوند. |

ارزشی بودن معرفت نه تنها به معنای پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی در فرایند آموزش و پژوهش است، بلکه به عنوان یک نیروی هدایت‌گر برای جهت‌دهی به تمامی فعالیت‌های دانشگاه و ساختن تمدنی اخلاق‌محور و پایدار عمل می‌کند. دانشگاه تمدن‌ساز با تکیه بر معرفت ارزشی می‌تواند نقشی مؤثر در تربیت انسان‌هایی داشته باشد که علاوه بر دانش و مهارت، به ارزش‌های انسانی و اجتماعی متعهد هستند و در ساختن آینده‌ای بهتر و عادلانه‌تر نقش ایفا می‌کنند.

توحیدی بودن معرفت

از نظر حضرت امام خمینی (ره)، مهم‌ترین جنبه تربیت، جنبه معنوی آن است. ایشان بیان می‌کنند که اسلام به دنبال تمامی علوم است، چه علوم طبیعی و چه غیرطبیعی، اما هدف اصلی اسلام این است که تمام این علوم در مسیر الهی قرار بگیرند و به توحید بازگردند. هر علمی که در آن جنبه‌ای از الوهیت باشد، مد نظر اسلام است؛ به این معنا که انسان در مشاهده طبیعت، ماده و سایر

موجودات، حضور خداوند را درک کند. هدف اسلام این است که تمامی موجودات طبیعی و علوم طبیعی را به سوی شناخت الهی هدایت کند (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸، ۴۳۵). امام خمینی (ره) مخالف گوشه نشینی و عزلت گزینی بود و باور داشت که روحانیان نباید صرفاً به انباشتن اطلاعات فقهی و اصولی پردازند، بلکه باید در جامعه حضور داشته و به رفع مشکلات مردم کمک کنند. ایشان اعمال دنیوی را ابزاری برای دستیابی به آخرت و معنویت می دانست. عرفان امام خمینی از نظریه به عمل تبدیل می شود، به گونه ای که سیر و سلوک معنوی او به بازگشت افلاک به خاک و رهایی انسان های مؤمن از قیود دنیوی و هدایت به سوی قوانین الهی می انجامد و راه را برای پیشرفت معنوی هموار می سازد.

بنابراین توحیدی بودن معرفت به این معناست که تمامی ابعاد دانش و معرفت به وحدانیت و یگانگی خداوند مرتبط می شود و به عنوان یک اصل راهنما، شناخت علمی و فلسفی را در چارچوب ایمان به خالق متعال قرار می دهد. این نوع معرفت، بر همبستگی و انسجام میان همه موجودات و پدیده های عالم تاکید دارد و دانش بشری را از پراکندگی نجات داده و به سوی یگانگی و هماهنگی هدایت می کند.

جدول ۳. نقش توحیدی بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن ساز

| شرح | نقش |
|---|-------------------------------|
| توحیدی بودن معرفت به معنای نفی دوگانگی میان علم و ایمان است. در یک دانشگاه تمدن ساز، معرفت توحیدی دانشجویان و پژوهشگران را به این درک می رساند که علم و ایمان دو مقوله جدا از هم نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. این انسجام باعث می شود که علم در راستای شناخت خالق و بهبود وضعیت بشریت به کار رود و از استفاده نادرست یا غیراخلاقی از آن جلوگیری شود. | ایجاد انسجام میان علم و ایمان |
| معرفت توحیدی به دنبال تربیت انسان هایی است که نه تنها در ابعاد علمی و فنی پیشرفته باشند، بلکه از لحاظ معنوی و اخلاقی نیز کامل باشند. این انسان ها با درک عمیق از وحدانیت خداوند، تمامی جنبه های زندگی خود را در چارچوب ارزش های الهی قرار می دهند. دانشگاه تمدن ساز با تأکید بر توحیدی بودن معرفت، چنین انسان هایی را پرورش می دهد که در ساختن تمدن های پایدار و الهی نقش آفرینی می کنند. | تربیت انسان جامع نگر |

| | |
|--|--------------------------------------|
| <p>معرفت توحیدی به دانشگاه تمدن‌ساز این امکان را می‌دهد که میان علوم مختلف هماهنگی و انسجام ایجاد کند. در این رویکرد، تمامی علوم به عنوان اجزای یک پیکر واحد دیده می‌شوند که به سوی شناخت یگانه‌ای از حقیقت و خالق هدایت می‌شوند. این دیدگاه باعث می‌شود که علوم طبیعی، انسانی، و اجتماعی در یک مسیر مشترک قرار گیرند و دانشجویان بتوانند به فهم جامع‌تری از جهان و نقش خود در آن دست یابند.</p> | <p>ایجاد هماهنگی میان علوم مختلف</p> |
|--|--------------------------------------|

توحیدی بودن معرفت به دانشگاه تمدن‌ساز این امکان را می‌دهد که به تربیت انسان‌های جامع‌نگر و مسئولیت‌پذیر پردازد که هم در عرصه علمی و هم در عرصه اخلاقی و معنوی پیشرو هستند. این معرفت به عنوان یک اصل راهبردی، تمامی فعالیت‌های علمی، پژوهشی، و تربیتی دانشگاه را به سمت تحقق ارزش‌های الهی و ساختن تمدنی پایدار و عادلانه هدایت می‌کند. دانشگاه‌هایی که بر مبنای معرفت توحیدی عمل می‌کنند، نه تنها به تربیت افراد متخصص می‌پردازند، بلکه به پرورش انسان‌های معنوی، اخلاق‌مدار و سازندگان تمدن‌های نوین و پایدار توجه ویژه دارند.

عقلانی بودن معرفت

عقلانیت از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن به شمار می‌آید و بدون وجود یک نظام فکری قوی، هیچ تمدنی قادر به شکوفایی نخواهد بود. خردورزی و عقلانیت، پایه‌های تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل، در روایات اسلامی آمده است که یک ساعت تفکر و اندیشیدن، ارزش بیشتری از عبادت‌های چندین ساله دارد. علاوه بر این، خداوند در قرآن کریم حدود سیصد بار انسان را به تفکر و خردورزی دعوت کرده است. (محبوب زمانی، ۱۳۹۶).

عقلانیت به معنای عملکرد منطقی افراد مبتنی بر بینش و معرفت صحیح و اصلت اعتبار است. بدین صورت که انسان دارای عقلانیت، همواره در تفکرات و اعمال وی، عقل و خرد حاکم می‌باشد. عقلانیت، یکی از ارکان مهم و پایه در بنیان نظام اسلامی و نیز ایجاد جامعه اسلامی و درهدف رسیدن به تمدن اسلامی، می‌باشد که باید به آن توجه نمود. از دیدگاه حضرت امام (ره) انسان وظیفه دارد که عقل خود را به کار اندازد و از این سرمایه گرانبها در راه رسیدن به حقیقت بهره گیرد. حس هم در خدمت عقل است. امام خمینی به ازای هر یک از منابع، از عوالم شناختی گوناگون، عالم محسوس و عالم تعقل نام برده اند (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸، ۴۳۴). ایشان راه دیگر به سوی کشف حقایق را راه دل می‌داند. دل یعنی گوهر نفس نفیس انسان که در درجه اول و پیش

از رسیدن به هر گونه علمی به ذات خویش و به حالات و آثار ذات خویش علم حضوری و شهودی دارد (بهشتی، ۱۳۸۴: ۳۶۳).

امام خمینی (ره) عقل و قلب را به‌عنوان منابع معرفتی انسان معرفی می‌کنند و بیان می‌دارند که عقل، ادراکات را حاصل می‌کند و قلب به این ادراکات ایمان می‌آورد (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۷، ۴۵۷-۴۵۶). عقل ویژگی تمایز انسان از حیوانات است و غفلت از آن، به معنای فلج شدن انسانیت است. پیوند عقل و قلب، انسان را به کمال می‌رساند، در حالی که بی‌توجهی به هر یک از این دو، موجب توقف در مسیر پویایی و رشد خواهد شد.

امام خمینی معتقدند که دروازه سیر و سلوک با کلید تفکر و تعقل گشوده می‌شود و کسانی که از نعمت عقل محرومند، همواره در پشت این در بسته باقی می‌مانند. انسان کمال‌جو نباید عقل خود را تحت تأثیر تعصبات یا تنبلی قرار دهد و این سرمایه عظیم را نادیده بگیرد. علاوه بر عقل، امام به منبع دیگری به نام وحی اشاره می‌کنند که انبیا آن را از جانب خداوند به انسان‌ها منتقل کرده‌اند. هدف اصلی وحی، ایجاد معرفت برای بشر، به‌ویژه شناخت حق تعالی و حوزه‌هایی است که انسان به‌تنهایی قادر به درک آنها نیست (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۹، ص ۲۲۵).

در اندیشه امام خامنه‌ای، اسلام با «عقلانیت» و «معنویت» تعریف می‌شود و این دو عنصر به‌طور هم‌زمان محقق می‌شوند و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. عقلانیت یکی از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌رود و در کنار ایمان، مجاهدت و عزت قرار دارد. در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت ابزار اصلی آن و عدالت به‌عنوان ارزش‌گذار و جهت‌دهنده فعالیت‌ها در نظام اسلامی عمل می‌کند (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵). علاوه بر این، در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار دارد. در این راستا، نظام تعلیم و تربیت باید با توجه به شایستگی‌های پایه که در اسناد تحولی ذکر شده است، اقداماتی انجام دهد. این اقدامات شامل توسعه و ارتقای توانمندی‌های فکری و عقلانی مریبان در تربیت رسمی و عمومی، توجه به شورا و خرد جمعی در سطوح مختلف نظام آموزشی و بهبود توانمندی‌های فکری و عقلانی مریبان است (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

بنابراین روشن است هر فردی که بتواند حجاب‌های عقل را کنار بزند و از ظرفیت عقل، در پیش‌روندگی اهداف خود استفاده کند، به سازندگی معنوی و مادی فزون‌تری دست یافته و زمینه ساز تحول در جامعه و شکل‌گیری تمدن را تحقق می‌بخشد.

عقلانی بودن معرفت نقش بسیار مهمی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز دارد. معرفتی که بر پایه عقل استوار باشد، به معنای استفاده از نیروی استدلال و منطق برای دستیابی به دانش و حقیقت است. در یک دانشگاه تمدن‌ساز، عقلانی بودن معرفت به عنوان یک اصل اساسی، باعث پیشرفت علمی، توسعه فرهنگی، و تربیت انسان‌های خردمند و آگاه می‌شود. عقلانی بودن معرفت همچنین تضمین می‌کند که علم و دانش به صورت منسجم، منظم، و بر پایه تحلیل و بررسی دقیق دنبال شود.

جدول ۴. نقش عقلانی بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| شرح | نقش |
|--|---|
| معرفت عقلانی به دانشجویان این امکان را می‌دهد که به جای پذیرش ساده‌انگارانه‌ی دانش، به تحلیل و بررسی آن بپردازند و به تفکر انتقادی و پرسشگری روی آورند. در دانشگاه تمدن‌ساز، دانشجویان با استفاده از نیروی عقل به کاوش در مسائل علمی و فرهنگی می‌پردازند و از دانش خود برای ایجاد نوآوری‌ها و راه‌حل‌های جدید استفاده می‌کنند. | تقویت تفکر انتقادی و پرسشگری |
| معرفت عقلانی به دانشجویان و اساتید کمک می‌کند تا به دنبال یافتن روابط منطقی و انسجام میان علوم مختلف باشند. این امر باعث می‌شود که علوم گوناگون در یک سیستم واحد قرار گیرند و دانشجویان بتوانند به درک جامع‌تری از جهان دست یابند. دانشگاه تمدن‌ساز با تأکید بر عقلانی بودن معرفت، به دنبال توسعه علمی است که بتواند به حل مشکلات و چالش‌های بزرگ اجتماعی و جهانی کمک کند. | ایجاد انسجام و هماهنگی میان علوم |
| عقلانی بودن معرفت به معنای استفاده از عقل در جهت‌دهی به علم و دانش است. در دانشگاه تمدن‌ساز، معرفت عقلانی به اساتید و دانشجویان این امکان را می‌دهد که علم را به سمت اهداف متعالی انسانی و اجتماعی هدایت کنند. این بدان معناست که پژوهش‌های علمی باید در خدمت بهبود وضعیت انسان‌ها و ارتقای رفاه اجتماعی باشد و در راستای حل مشکلات اساسی جوامع عمل کند. | هدایت علم به سوی غایات انسانی و اجتماعی |
| در یک دانشگاه تمدن‌ساز، معرفت عقلانی با معرفت و حیاتی تلفیق می‌شود. این تلفیق باعث می‌شود که دانشجویان و اساتید هم از منابع عقلی و هم از منابع و حیاتی برای دستیابی به دانش استفاده کنند. عقل در اینجا به عنوان وسیله‌ای برای تحلیل و فهم بهتر معارف و حیاتی عمل می‌کند و به توسعه علمی و معنوی دانشگاه کمک می‌کند. | تلفیق عقل و وحی |
| عقلانی بودن معرفت به دانشجویان این امکان را می‌دهد که در مرزهای جدید دانش حرکت کنند و به نوآوری و خلاقیت روی آورند. در دانشگاه تمدن‌ساز، عقل به عنوان نیرویی محرک در پیشبرد علم و تکنولوژی عمل می‌کند و به دانشجویان کمک می‌کند تا از الگوهای سنتی فراتر رفته و به ابداع راه‌حل‌های نوین بپردازند. | تقویت نوآوری و خلاقیت |
| معرفت عقلانی به تعمیق دانش کمک می‌کند و به دانشجویان این امکان را می‌دهد که به تحلیل و بررسی دقیق‌تری از پدیده‌ها و مسائل بپردازند. این رویکرد علمی و تحلیلی به توسعه بیشتر علم و فناوری کمک می‌کند و دانشگاه تمدن‌ساز را به یک مرکز پیشرو در | تعمیق دانش و بینش علمی |

| | |
|--|-----------------------------------|
| تولید علم و دانش تبدیل می‌کند. | |
| دانشگاه تمدن‌ساز با تأکید بر عقلانی بودن معرفت، به دنبال توسعه‌ای پایدار و تمدن‌ساز است. عقل به دانشجویان و اساتید کمک می‌کند تا از منابع علمی و فناوری به صورت بهینه و در جهت منافع جامعه استفاده کنند. این امر به توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کمک می‌کند و نقش دانشگاه را در ساختن تمدنی پیشرفته و عادلانه تقویت می‌کند. | پایه‌ریزی توسعه پایدار و تمدن‌ساز |

عقلانی بودن معرفت نقش حیاتی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز دارد. این نوع معرفت نه تنها باعث پیشرفت علمی و فرهنگی می‌شود، بلکه به تربیت انسان‌های خردمند و مسئولیت‌پذیر کمک می‌کند که بتوانند در ساختن تمدنی پایدار و انسانی نقش داشته باشند.

معرفت عقلانی، دانشگاه را به مرکز نوآوری، خلاقیت، و توسعه علمی تبدیل می‌کند و با ایجاد انسجام میان علوم مختلف، به ساختن تمدنی یکپارچه و هماهنگ کمک می‌کند.

تقلیدی نبودن معرفت

دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای در مورد معرفت و اهمیت تقلیدی نبودن آن، بر اساس اصولی است که از قرآن و سنت استخراج شده‌اند و تأکید زیادی بر استقلال فکری و عقلانیت دارد. ایشان بر این باورند که معرفت باید بر پایه تفکر و تعقل استوار باشد تا فرد به صورت کورکورانه از دیگران پیروی نکند. امام خمینی (ره) در آثار و سخنرانی‌های خود مکرراً بر اهمیت استقلال فکری و نقد عقلانی تأکید کرده است. ایشان معتقد بودند که تقلید کورکورانه از دیگران مانع از دستیابی به معرفت حقیقی می‌شود. در نوشته‌های ایشان، به خصوص در کتاب «تحریر الوسيله»، تأکید ویژه‌ای بر این موضوع می‌شود که انسان‌ها باید به دنبال درک عمیق‌تری از دین و زندگی باشند و از تقلید بی‌چون و چرا اجتناب کنند.

امام خامنه‌ای نیز به ترویج اندیشه‌های مستقل و تأکید بر نقد عقلانی مشهور است. ایشان در بسیاری از سخنرانی‌ها و نوشته‌ها، از جمله در دیدارهای دانشجویی، اغلب بر اهمیت تفکر نقادانه و پرسشگری تأکید کرده‌اند. امام خامنه‌ای معتقدند که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی باید به جوانان آموزش دهند تا به جای تقلید صرف، به تحلیل و استدلال بپردازند. ایشان بر این باورند که پیشرفت علمی و فرهنگی جامعه در گرو استقلال فکری و خوداتکایی معرفتی است. تقلید از غرب و بیگانگان، ابزار نفوذ و سلطه‌ی فرهنگی دشمن است. (خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۹۵) در تقلید از فرهنگ غرب، در ظاهر فقط در وسایل آسایش زندگی و تکنولوژی‌ها ختم می‌شود، گرچه آن امکانات نیز تنها در اختیار طبقه‌ای خاص

است نه عموم مردم، که باطن آن سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضدّ دشمن معنویت است. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۷) چراکه تربیت معنوی مبتنی بر رفتار اخلاقی، فرهنگ دینی و قرآنی است که معنویت، ثروت، رفاه، امنیت و عزت ملی را به دنبال خواهد داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۵۸۴ - خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تقلیدی نبودن معرفت به معنای این است که دانشجویان و پژوهشگران به جای پیروی کورکورانه از دیدگاه‌ها و نظریات موجود، به تفکر انتقادی، خلاقیت، و نوآوری روی آورند و به دنبال تولید دانش جدید و حل مسائل بر اساس تحلیل و فهم خود باشند. در دانشگاه تمدن‌ساز، معرفت باید بر اساس پرسشگری و جستجوی حقیقت شکل بگیرد، نه بر اساس تکرار و تقلید از دیگران.

جدول ۵. نقش تقلیدی نبودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| نقش | شرح |
|--------------------------------|--|
| تولید دانش بومی و نوآورانه | تقلیدی نبودن معرفت به دانشجویان و پژوهشگران این امکان را می‌دهد که به جای اتکا به دانش تولید شده در دیگر فرهنگ‌ها و جوامع، به تولید دانش بومی بپردازند. دانشگاه تمدن‌ساز با تربیت افرادی که قدرت تحلیل و نوآوری دارند، می‌تواند به تولید دانش‌های جدید و کاربردی که متناسب با نیازهای جامعه بومی است، کمک کند. |
| رشد خلاقیت و نوآوری | تقلید از نظریات و روش‌های علمی موجود، مانع رشد خلاقیت و نوآوری می‌شود. دانشگاه تمدن‌ساز با ایجاد فضایی که در آن دانشجویان و پژوهشگران بتوانند آزادانه ایده‌های جدید را مطرح و بررسی کنند، زمینه را برای رشد نوآوری و خلاقیت فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های جدید منجر شود. |
| ایجاد استقلال علمی | دانشگاه تمدن‌ساز با تأکید بر تقلیدی نبودن معرفت، به دنبال ایجاد استقلال علمی است. این استقلال به این معناست که دانشجویان و پژوهشگران بتوانند بدون وابستگی به نظریات و دستاوردهای دیگران، به تحلیل و پژوهش مستقل بپردازند و دستاوردهای علمی جدیدی را خلق کنند که بتواند به حل مسائل و چالش‌های خاص جوامع بومی کمک کند. |
| پرهیز از جمود فکری و علمی | تقلیدی نبودن معرفت منجر به جمود فکری و رکود علمی می‌شود، زیرا افراد بدون پرسش و تحلیل، به تکرار نظریات و دیدگاه‌های موجود بسنده می‌کنند. دانشگاه تمدن‌ساز با تقویت تفکر انتقادی و آزاداندیشی، از این جمود جلوگیری می‌کند و محیطی پویا و خلاق را برای رشد علم و دانش فراهم می‌آورد. |
| تقویت هویت علمی و فرهنگی مستقل | تقلیدی نبودن معرفت به دانشگاه تمدن‌ساز کمک می‌کند تا هویت علمی و فرهنگی مستقل خود را شکل دهد. به جای پذیرش کورکورانه دستاوردهای علمی دیگر جوامع، دانشگاه می‌تواند به تولید دانش متناسب با ارزش‌ها، نیازها و فرهنگ جامعه خود بپردازد. این امر به تقویت هویت ملی و بومی و نیز به توسعه دانش بومی کمک می‌کند. |
| افزایش حس مسئولیت‌پذیری علمی | دانشجویان و پژوهشگرانی که به تقلید از دیگران بسنده می‌کنند، معمولاً فاقد حس مسئولیت‌پذیری علمی هستند. اما در دانشگاه تمدن‌ساز که بر تقلیدی نبودن معرفت تأکید می‌شود، افراد یاد می‌گیرند که مسئولیت تولید دانش و ارائه راه‌حل‌های نوین برای مسائل جامعه بر عهده آنهاست. این حس مسئولیت‌پذیری، آنها را به پژوهش‌های دقیق‌تر و کارآمدتر تشویق می‌کند. |

تقلیدی نبودن معرفت یکی از ارکان اساسی تحقق دانشگاه تمدن‌ساز است. این رویکرد باعث تقویت تفکر انتقادی، رشد خلاقیت و نوآوری، تولید دانش بومی، و ایجاد استقلال علمی می‌شود. دانشگاهی که بر پایه معرفت غیرتقلیدی عمل می‌کند، می‌تواند به تربیت دانشجویانی بپردازد که در حل مسائل جامعه و ساختن تمدنی پایدار و مبتنی بر ارزش‌های بومی و انسانی نقش اساسی ایفا می‌کنند.

نافع بودن معرفت

معرفت نافع در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای به معنای دانشی است که به ارتقاء فردی و اجتماعی انسان‌ها کمک می‌کند و به تعالی و بهبود شرایط جامعه منجر می‌شود. امام خمینی (ره) معتقد بودند که دانش باید با هدف تقرب به خدا و خدمت به خلق خدا کسب شود. ایشان تأکید می‌کردند که دانشی که منجر به برتری‌جویی، خودخواهی، و دوری از ارزش‌های اخلاقی شود، دانشی غیر نافع و حتی مضر است. در نظر امام خمینی، معرفت نافع آن است که انسان را به سمت کمال معنوی هدایت کند و به حل مسائل اساسی بشریت بپردازد.

امام خامنه‌ای نیز بر این باورند که دانش باید در خدمت رفاه و تعالی انسان‌ها باشد. ایشان مکرراً بر اهمیت دانش‌هایی تأکید کرده‌اند که به حل مشکلات واقعی جامعه پرداخته و به بهبود شرایط زندگی انسان‌ها کمک کند. به عقیده امام خامنه‌ای، معرفت نافع دانشی است که نه تنها در حوزه‌های علمی و فنی، بلکه در تمامی جنبه‌های زندگی انسانی، از جمله اخلاق، سیاست، و اقتصاد به کار گرفته شود تا به توسعه‌ی همه‌جانبه کمک کند.

ایشان می‌فرمایند: این علوم و آگاهی به مفهوم دانش همراه با معنویت است؛ اسلام همواره به آموختن علم و تعلیم آن به برخوردارانی از زندگی عالمانه، پرداخته است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۰). ویژگی‌های مهم علم و دانش در معرفت دینی عبارت است از: علم؛ محور اصلی پیشرفت همراه با اقتدار است؛ چرا که بدون دانش‌های متعدد و متنوع، اقتدار ملتی در برابر تعرض دشمنان تأمین نخواهد شد. علم، متعلق به همه‌ی بشریت است. ایمان، سوق دهنده صحیح علم است؛ چرا که با برخوردارانی از روحیه اسلامی و هدفمندی در دین، انسانی متکامل با بروز استعدادهای الهی ساخته می‌گردد که در خدمت بشریت و همراه با عدالت و اخلاق‌مداری حرکت می‌نماید. به عبارتی دیگر علم، باید در جهت قرب الهی و تنها در راه خدا تحصیل نموده و به کار گرفته شود.

بنابراین ایمان برتر و مقدمه علم می‌باشد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۳۳، ۱۱۹، ۳۰۸، صص ۴۹-۴۸)

امامین انقلاب اسلامی تأکید دارند که معرفت واقعی باید به طور مستقیم به بهبود شرایط انسان‌ها و جامعه منجر شود و همواره با ارزش‌های اسلامی همراه باشد. این نگرش نشان‌دهنده اهمیت عملی کردن دانش و تأکید بر دانش‌های کاربردی است که می‌توانند به طور مستقیم در خدمت اهداف اسلامی و انسانی قرار گیرند.

نافع بودن معرفت به معنای این است که دانش و معرفتی که در یک جامعه تولید می‌شود، باید در خدمت نیازها و مسائل واقعی آن جامعه باشد و بتواند به بهبود شرایط زندگی، توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ارتقای معنویت افراد کمک کند. در دانشگاه تمدن‌ساز، معرفت نافع نه تنها از لحاظ علمی و نظری دارای ارزش است، بلکه از منظر عملی نیز می‌تواند به رشد و پیشرفت جامعه منجر شود.

جدول ۶. نقش نافع بودن معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز

| شرح | نقش |
|--|------------------------------|
| معرفت نافع به این معناست که دانشجویان و پژوهشگران به دنبال تولید دانش‌هایی باشند که بتوانند به مسائل و چالش‌های واقعی جامعه پاسخ دهند. دانشگاه تمدن‌ساز باید به نیازهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه توجه کند و پژوهش‌های خود را در راستای رفع این نیازها و بهبود وضعیت جامعه متمرکز کند. | پاسخ به نیازهای واقعی جامعه |
| نافع بودن معرفت به این معناست که دانش باید به گونه‌ای تولید و به کار گرفته شود که در نهایت به نفع کل بشریت باشد. دانشگاه تمدن‌ساز با تربیت دانشجویان و پژوهشگرانی که به مسئولیت‌های انسانی خود آگاهند، تلاش می‌کند تا دانش را در جهت توسعه پایدار و حل مشکلات جهانی مانند فقر، نابرابری، و بحران‌های زیست‌محیطی به کار گیرد. | توسعه علمی در خدمت بشریت |
| معرفت نافع بر این نکته تأکید دارد که علم باید با عمل پیوند داشته باشد. در دانشگاه تمدن‌ساز، دانشجویان تنها به یادگیری نظریه‌ها و مفاهیم علمی نمی‌پردازند، بلکه باید این دانش را به طور عملی در پروژه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی به کار گیرند. این پیوند علم و عمل باعث می‌شود که معرفت نافع در خدمت توسعه جامعه قرار گیرد. | ارتباط میان علم و عمل |
| یکی از اهداف دانشگاه تمدن‌ساز تربیت نیروهای متخصص و کارآمد است که بتوانند به نیازهای جامعه در حوزه‌های مختلف پاسخ دهند. معرفت نافع به این معناست که دانشجویان در کنار آموزش‌های علمی و تخصصی، مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه را نیز کسب کنند. این امر باعث می‌شود که دانشگاه تمدن‌ساز نیروی انسانی ماهر و مسئول‌پذیری را به جامعه تحویل دهد. | تربیت نیروهای کارآمد و مسئول |
| نافع بودن معرفت به این معناست که دانش باید در خدمت تحقق عدالت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی باشد. دانشگاه تمدن‌ساز با تأکید بر پژوهش‌ها و برنامه‌های آموزشی که به رفع بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها کمک می‌کنند، می‌تواند نقش مهمی در تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر ایفا کند. | گسترش عدالت و کاهش نابرابری |

نافع بودن معرفت‌یکی از اصول اساسی در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز است. دانشگاهی که بر این اصل تأکید دارد، به دنبال تولید دانشی است که نه تنها در حوزه‌های علمی و نظری مفید باشد، بلکه بتواند به طور عملی در خدمت بهبود شرایط زندگی و توسعه پایدار جامعه قرار گیرد. معرفت نافع به دانشجویان و پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با آگاهی از نیازهای جامعه، به تولید دانش‌هایی بپردازند که به حل مشکلات واقعی و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه کمک کند. این نوع معرفت در تحقق دانشگاه تمدن‌ساز نقش اساسی دارد، زیرا به توسعه همه‌جانبه و پایدار جامعه کمک می‌کند و دانش را در خدمت رفاه و ارتقای جامعه قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به مبانی تربیت معنوی مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی می‌پردازد. مبانی تربیت معنوی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به ویژگی‌های ذاتی انسان، جهان و آفریدگار آن‌ها مرتبط است. لذا اندیشه‌های تربیتی امامین انقلاب تحت تأثیر مبانی معرفت‌شناسی آن‌ها قرار دارد. منابع معرفت‌شناسی این بزرگواران شامل عقل، وحی، حس و نقل است. امامین انقلاب اسلامی راه‌های کسب معرفت و شناخت را از طریق قرآن کریم، انبیاء (ص) و ائمه معصوم (ع) می‌دانند. حضرت امام خمینی (ره) معتقدند که انسان دارای قوای مختلفی است که همگی برای او ضروری هستند. انسان از دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است و در صورتی که بتواند به تعادل بین این دو بعد برسد، می‌تواند به بالاترین مقام سعادت، یعنی خلافت الهی، دست یابد. اما اگر از این مسیر منحرف شود، ممکن است به پست‌ترین درجات موجودات سقوط کند.

در نتیجه، تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی به پرورش فردی می‌پردازد که نه تنها به رشد شخصی خود توجه دارد، بلکه با توجه به روابط اجتماعی و نیازهای جامعه، به دنبال ارتقای جامعه نیز هست. این رویکرد به دنبال تحقق جامعه‌ای متعالی و مبتنی بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی است که در آن، انسان‌ها به شناخت عمیق‌تری از خود، خدا و دیگران دست یابند. مبانی معرفتی تربیت معنوی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی به شکلی عمیق با ایده‌های توسعه و تعالی جامعه از در نهایت به تمدن‌سازی اسلامی گره خورده‌اند. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی که می‌توانند با رویکرد تربیت معنوی در شکل‌گیری تمدن‌ها نقش داشته باشند، همواره جهت‌گیری خود را از

مبانی معرفتی دریافت می کنند. در این پژوهش وحیانی بودن معرفت، ارزشی بودن معرفت، توحیدی بودن معرفت، عقلانی بودن معرفت، تقلیدی نبودن معرفت و نافع بودن معرفت از جمله مبانی معرفتی بودند که می توانند تحقق بخش دانشگاه در امر مهم تمدن سازی باشند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی، مریم و علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۵)، شناخت‌شناسی در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، دوفصلنامه کتاب قیم، ۶ (۱۴): ۲۷ - ۴۵.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، (۱۴۱۰ق)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دار صادر.
- انتظامی بیان، نرگس و احقر، قدسی (۱۳۹۴). تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۳، ۵۱-۷۰.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبیه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بناری، علی همت (۱۳۸۵). در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی، دو فصلنامه تربیت اسلامی سال دوم، شماره ۳ صفحات ۷ تا ۳۸.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۴). وحیانیت و عقلانیت عرفان از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، تهران: موسسه بوستان کتاب.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹). تأملاتی فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۶)، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۰)، کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتألهین، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۲۶: ۱۴۳-۱۶۴.
- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶) الف، ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲، ش ۲: ۷-۳۶.
- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶) ب، تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی بر اساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی، دو فصلنامه عقل و دین، موسسه دین پژوهی علوی، س ۹، ش ۱۶.

بهشتی، سعید؛ ملکی، حسن؛ ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲)، سیاست‌های حاکم بر اهداف آموزشی در معرفت‌شناسی استاد مطهری و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۱۷۳-۱۹۶: ۳.

جمعی از پژوهشگران معاونت پژوهش و آموزش (۱۳۹۸). انقلاب عقلانی، تهران: انقلاب اسلامی. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

حبیبی، نجفقلی. (۱۳۷۸). دانشگاه اسلامی و مطلوب از نظر حضرت امام خمینی. مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات موسسه صهبا. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). نرم افزار حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ویرایش دوم. خامنه‌ای. (۱۳۹۴، ۲۰۸). دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری با رهبر انقلاب. بازبینی از دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله خامنه‌ای-<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=31372>

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۵). برای حقیقت، تهران: نسیم انقلاب. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۶). روشنای علم، مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم، به کوشش: مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). روشنای آینده: آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، گردآورنده موسی هلودی، تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۷). گام دوم؛ بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: انقلاب اسلامی. خامنه‌ای، علی. بیانات مقام معظم رهبری. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای به آدرس Khamenei.ir

خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران. (۱۳۹۰). منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز. شماره ۶، ۱۸۸-۱۶۱.

خمینی، روح الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی (قدس سره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

خمینی، روح الله (۱۳۶۸). آداب نماز. تهران: انتشارات ناصر.

خمینی، روح الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

- خمینی، روح الله (۱۳۸۲). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۳). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و انتشار آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵). آداب الصلوئه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار (دوره ۲۲ جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۰). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۷۲). کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- داوری، محمد، سلیمی، علی. (۱۳۷۸). نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی (رحمة الله). مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. سال سوم، شماره ۲. ۹۸-۱۱۳.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۴ و ۹)، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالعلم؛ بیروت: الدارالشامیه.
- رضایت، غلامحسین، غلامعلی، احمد و رضایت، فاطمه (۱۴۰۱). ماهیت معنویت اسلامی با رویکرد تربیتی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۵۴)، ۳۰-۲۳۹-۲۷۸.
- زمانی محبوب، حبیب؛ مددی، سید نادر؛ گرامیان دهدشت، اعظم سادات. (۱۳۹۵). موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در موسسات آموزش عالی. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲، صص: ۱۴۹-۱۳۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۹۳). نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: منادی تربیت، دانشگاه امام صادق (ع).
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- موزر، پل و مولدر تروت (۱۳۸۷). درآمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ترجمه رحمت الله رضایی. چاپ دوم. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسوی، سید فضل الله (۱۳۷۹). جایگاه دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره). نامه علوم انسانی. شماره ۱. ۱۷-۲۵.
- نبی زاده، محمد و زنگویی، اسدالله (۱۴۰۲). اثر بخشی هوش معنوی تربیت محور بر سبک رهبری تحول‌آفرین مدیران و اساتید دانشگاه. نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال سی و یکم، شماره ۵۹، نجاران طوسی، حامد، فاتح راد، مهدی، برزنونی، محمدعلی، حسنی آهنگر، محمدرضا، محمدی، ابوالفضل.
- (۱۳۹۶). الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۳) ۲۵، ۵۲-۲۱.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۱). اصول برنامه ریزی درسی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.